

تلمیحات و اشارات قرآنی در تحمیدیه‌های نظامی گنجه‌ای

علی آسمند جونقانی¹

چکیده

نظامی بزرگ‌ترین شاعر بزمی و داستان‌سرای ایران از معدود شاعرانی است که به علت کسب علوم و فنون مختلف همچون فلسفه و کلام، علوم قرآنی، نجوم و دیگر علوم به عنوان حکیم ملقب شده است. آشنایی او با قرآن و حدیث و به‌کارگیری علوم بلاغی و بدیعی همچون تلمیح، اقتباس، اشاره، ترجمه و دیگر آرایه‌های قرآنی بررسی زیبایی‌شناسی شعر این حکیم فرزانه را اجتناب‌ناپذیر کرده است. در این جستار ضمن بررسی و تفکیک معنای ادبی هر یک از آرایه‌های اشاره، تلمیح، اقتباس و ترجمه، تحمیدیه‌های او که یکی از شاهکارهای ادب فارسی و مشحون از آیات است، شناسانده می‌شود تا دریابیم نظامی با تسلطی که بر قرآن و حدیث داشته است چه زیبایی‌هایی در تحمیدیه‌های خود خلق کرده که این‌گونه مانا و جاودانه شده‌اند؟ در شش منظومه او هفت تحمیدیه خلق شده که دارای ویژگی‌هایی است که مخاطب امروز به راحتی با آن ارتباط برقرار می‌کند. در این مقاله ضمن تحلیل این تحمیدیه‌ها، بسامد اشارات و تلمیحات قرآنی و تأثیرپذیری نظامی در تحمیدیه‌ها نشان داده شده است.

واژه‌های کلیدی: تلمیح، اقتباس، اشاره، ترجمه، تحمیدیه، نظامی گنجه‌ای.

1- مقدمه

ادبا برای شعر، اغراضی قائل‌اند که مهم‌ترین آن مدح است. مدح را بر چهار قسمت تقسیم کرده‌اند. مدح بالاستقراء اول حمد است و آن محامد ذات کبریا است جل‌جلاله، دوم ائینه ذات محمدی است صلوات‌الله‌علیه‌وآله، آنچه به تتبع و تصرف معلوم شده، نعت خاص است اصطلاحاً به جناب مقدس نبوی به معنی اصلی در موارد کلام آرند. سوم منقبت که آن مدایح آل اطهار است و خلفای کبار. چهارم مدایح یعنی صفت سلاطین و امرا و مشایخ و فضلا و غیرهم (آندراج جلد ششم، 1363: 3904) آنچه در این مقاله مورد نظر است، مدح بالاستقراء و تحمیدیه است. حمد و ستایش پروردگار «تحمیدیه» نام دارد.

¹ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران

تحمید در لغت به معنای نیک ستودن و پی‌درپی ستایش کردن است (دهخدا، 1372: 5678). این کلمه مصدر متعدی عربی و از ریشه حمد آمده است. — یه پسوند صفت نسبی است کما این که مناسبت شعر با موضوع در ادبیات فارسی را با — یه بیان می‌کنند. مثل خمیره، حبسیه، شکوائیه و غیره. تحمیدیه در اصطلاح، نوشته یا شعری است که در وصف ذات خداوندی ستایش و حمد الهی و توصیف عظمت کبریایی حق تعالی باشد.

یکی از نمونه‌های عالی و باشکوه تحمیدیه‌های زبان فارسی، تحمیدیه‌های لطیف نظامی گنجه‌ای در آغاز خمه است که مشحون از تفکرات کلامی، اشارات، تلمیحات و آیات قرآنی است. او از بزرگ‌ترین شاعران قرن ششم و اوایل قرن هفتم (614-622) است که نمونه‌های ماندگار تحمیدیه را در آغاز منظومه‌های خود خلق کرده است. جمال‌الدین ابو محمد الیاس بن یوسف نظامی گنجه‌ای در ازان گنجه چشم به دنیا گشود. به موجب فراهم بودن زمینه‌های تحصیل و آموزش در آن زمان، او علوم مختلف مانند کلام، فلسفه، نجوم، قرآن و حدیث را فراگرفت. انعکاس این دانش‌ها در شعر آن حکیم بر دشواری شعر او افزوده است. شعر او مانند شاعران هم‌عصرش و مکتب آذربایجان که به مباحث کلامی و بلاغی آشنا بودند آراسته به انواع آرایه‌های بدیعی لفظی و معنوی بوده است. نظامی ضمن مبتکر و خلاق بودن در حوزه صنعت‌پردازی و خیال، کسی به قدر او در نیفشانده (نک به: نظامی 1376: 28). آرایه‌های ادبی از جمله تلمیح در شعر او با نوآوری همراه است. تلمیحات و اشارات قرآنی او در خمه خصوصاً تحمیدیه‌های او به لحاظ بیان افکار کلامی و فلسفی بیانگر حکیم بودن او است. در خلال پنج اثر خود موسوم به خمه، شش تحمیدیه دارد (اسکندرنامه که مشتمل بر دو بخش است، دو تحمیدیه دارد). تحمیدیه‌های او جزو تحمیدیه‌های پرکاربرد فارسی است، به حدی که امروزه هم، اهالی رسانه و آغازگران مجالس از این آغازهای زیبای نظامی برای شروع کار خویش استفاده می‌کنند. در این جستار تأثیرپذیری‌های قرآنی در شعر نظامی که شامل تلمیح، اشاره، اقتباس و ترجمه است بررسی می‌شود.

علی‌رغم تعاریف این آرایه‌ها در کتب ادبی، شارحان در تفسیر و بیان ابیات، این آرایه‌ها را عموماً به عنوان اشاره ذکر کرده و از هم تفکیک نکرده‌اند. علت این امر شاید در دشواری و ظرافت‌هایی است که در شناخت هر یک از این آرایه‌ها وجود دارد. در این مقاله برای کشف تعاریف دقیق و شناخت مرزهای تلمیح، اشاره، اقتباس، ترجمه و دیگر آرایه‌های مربوط در ادب بلاغی فارسی، ابتدا به روش استقرایی، اطلاعات کتاب‌های بلاغت گردآوری و پس از استخراج اطلاعات، به روش توصیفی تحلیلی و با رعایت مرزبندی‌ها، تعاریف هر یک از آرایه‌های مذکور درباره موضوع دسته‌بندی و مصادیق هر یک ارائه می‌شود.

در این جستار به دو متغیر تحمیدیه‌ها و تلمیحات و اشارات قرآنی حکیم گنجه پرداخته می‌شود تا به سؤال‌های مطرح در زیر پاسخی منطقی داده شود.

۱. ویژگی تحمیدیه‌های نظامی که باعث ماندگاری آن بعد از قرن‌ها شده است چیست؟
۲. تعریف علمی و دقیق و حدود و ثغور آرایه‌های تلمیح، اقتباس، اشاره، ترجمه، عقد و استشهاد چیست؟

۳. چه میزان از اشارات و تلمیحات قرآنی در تحمیدیه‌های نظامی استفاده شده است؟

2- پیشینه مطالعات

در خصوص تحمیدیه و تلمیحات قرآنی به طور مجزا و به اندازه کافی بحث شده است از نمونه کتب، مقالات و تحقیقات انجام شده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- کتاب «تحمیدیه در ادب فارسی» تألیف غلامرضا ستوده و محمدباقر نجف زاده بارفروش (1365). در این اثر، نمونه‌هایی از تحمیدیه در آثار عربی و فارسی بر اساس ترتیب تاریخی ذکر شده است.
 - «حمد، ثنا و ذکر خداوند در شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی» کتابی از محمدحسین پاپلی یزدی (1386) است که در این اثر نمونه‌های تحمیدیه در سراسر شاهنامه جمع‌آوری شده است.
 - تورج زینی‌وند، سارا حسنی و فریبا اکبرزاده در سال 1395 صفات الهی در نهج‌البلاغه و تحمیدیه‌های ادب فارسی را بررسی کردند.
 - در مقاله «فاتحه فکرت و ختم سخن: تحمیدیه در شعر فارسی»، منصور یارویسی (1382) شماری از ابیات آغازین با تحلیل مختصر، فراهم آورده است.
 - مقاله «بررسی مناسبات مضامین در دیباچه‌های پنج گنج نظامی» نوشته اندیشه قدیریان (1381) از دیگر مقاله‌ها است.
 - محمدحسین کرمی و حشمت‌الله آذرمکان در سال 1387 تحمیدیه‌های چهار لیلی و مجنون را بررسی کردند.
 - مهدی دهرامی در سال 1397 ساختار و محتوای آستانه سرایی در منظومه‌های فارسی تا قرن ششم را بررسی کرد.
- در ادامه این مقاله، اشارات، تلمیحات و اقتباس‌های قرآنی در تحمیدیه‌های نظامی بررسی خواهد شد.

3- تحمیدیه‌های نظامی

اهمیت تحمیدیه‌ها در آن است که شاعر و نویسنده بدون هیچ واسطه‌ای با معبود خویش رودرروی می‌شود و هر آنچه در ضمیر و باطن اوست به زبان می‌آورد. این مدایح دربردارنده حقایق ژرف با زیباترین کلمات و جملات بازتاب تفکر درونی اوست. گویی بدون واسطه سخن گفتن، فرصتی برای شاعر و نویسنده است تا او هر آنچه با معبود خود دارد به رشته تحریر درآورد! شاعران در تحمیدیه‌های خود که عموماً در مطلع منظومه‌ها و دیوان‌ها به کار می‌رود تمام هنر نویسندگی و فن بیان خود را برای جلب مخاطب به کار می‌گیرند. به همین جهت به لحاظ بلاغی و ادبی حائز اهمیت بسیار است. تحمیدیه‌ها، تابع تحول سبک شعر و نثر هر دوره بوده‌اند؛ اما به دلیل تحول تدریجی ادبی، رگه‌های تقلید از سبک دوره قبل در آنها مشاهده می‌شود که به تدریج و طی زمان، فنی‌تر و مصنوع شده‌اند. تحمیدیه‌ها در قرن چهارم به لحاظ ویژگی سبکی، ساده هستند، اما از قرن پنجم ضمن سادگی، تمایل به آرایش سخن در آنها دیده می‌شود. در قرن ششم علاوه بر افزایش کمی به لحاظ سبک و کاربرد عناصر بیانی به اوج خود

می‌رسند. از اوایل قرن هفتم به بعد ادامه طرز پیشین دنبال می‌شود، هرچند تقلیدی صرف از گذشته خود محسوب نمی‌شوند، ولی حتی گاه به لحاظ معنا و مفهوم بسیار ساده‌تر از دوره پیش، با شیوایی و بلاغت همراه‌اند و نثری فخیم دارند.

3-1- ترتیب مباحث مطرح‌شده در تحمیدیه‌ها و ساختمان کلی آن

سرآغاز منظومه‌های پنج‌گانه نظامی گنجه‌ای که در ستایش و حمد خداوند است «تحمیدیه» نامیده می‌شود. منظومه‌های این حکیم خلاصه‌ای از نظریات دینی و خداشناسی است که با بررسی آنها می‌توان تصویر روشن‌تری از تفکر این شاعر را دریافت. کامیابی مقلدانش در سرودن تحمیدیه‌های موفق، مهارت او را در منظومه خمسه به عنوان شاعری تأثیرگذار به صورت عمیق نشان می‌دهد.

1. آغاز تحمیدیه با حمد و ستایش الهی و صفات ثبوتی یا سلبی آغاز می‌شود و مضامین آن موضوعاتی چون بیان خالقیت، توحید صفاتی و ذاتی، قدرت خداوندی، عدل الهی، توصیف‌ناپذیر بودن او، رزاقیت الهی، مدبر بودن او در امور، بخشش و عفو الهی، علم ازلی خداوندی، عزت بخشی خداوند و ازلی و ابدی بودن خداوند است (زینی وند، حسنی و اکبرزاده، 1395: 27-43)

2. اگرچه بسیاری از متکلمان و فقها به توقیفی بودن اسما و صفات معتقدند اما در این توحیدیه‌ها گاهی تحت تأثیر فرهنگ و آداب زمانه برخی از صفات به خداوند منسوب می‌شوند که مستند نقلی و روایی ندارند.

3. در آن‌ها از مخلوقات ذکری به میان می‌آید. بیان فقر و اظهار عجز و نیاز به درگاه الهی در تحمیدیه‌های نظامی در آغاز هر پنج منظومه پس از حمد خداوند متعال آمده است.

4. خواهش و اظهار عجز و عطش‌های عمیق روحانی و عرفانی و پس از آن مباحث معاد مطرح می‌شود.

5. طلب مغفرت از خداوند و دعا در پایان ذکر می‌شود.

مهم‌ترین ویژگی تحمیدیه‌های نظامی که در آغاز منظومه‌های او آمده است عبارت است از:

1. آوردن مضامین لطیف و عمیق با حمد الهی و توصیف عظمت کبریایی

2. برشمردن صفات جمال و جلال الهی

3. تسبیح و تنزیه خداوندی

4. بیان رحمت و مغفرت الهی

5. اظهار عجز و اعتراف به معاصی و گناهان

6. طلب عفو و بخشش الهی

3-2- تأثیرپذیری نظامی از آیات و احادیث قرآنی در تحمیدیه‌ها

نکته قابل توجه در تحمیدیه‌ها این است که برخی از آنها به لحاظ مضمون و سبک با متن اثر متفاوت‌اند؛ اما اغلب تحمیدیه‌ها تابع متن کتاب است. علاوه بر آرایه‌های تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز، ایهام و

سجع آرای؛ برداشت‌های قرآنی همچون آرایه‌های اشاره، اقتباس از آیه و حدیث، تلمیح، ترجمه و... از مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که در تحمیدیه‌های این شاعر دیده می‌شود.

3-2-1- تلمیح

تلمیح مصدر باب تفعیل از ریشه لَمَح و لَمَحَه یکی از آرایه‌های بدیعی است. «لَمَح جستن برق باشد و لَمَحَه یک نظر بود» (شمس قیس، 1388: 383). تلمیح یعنی «به گوشه چشم اشاره کردن» و در اصطلاح بدیع آن است که گوینده در ضمن کلام به داستانی یا مثلی یا آیه و حدیثی معروف اشاره کند (همایی، 1363: 328). در اصطلاح علم بدیع اشاره به قصه یا شعر یا مثل سائر است به شرطی که آن اشاره - چنانکه از معنای اشاره برمی‌آید - تمام داستان یا شعر یا مثل سائر را در برنگیرد (شمیسا، 1373: 5) و در اصطلاح بدیع از جمله آرایه‌های درونی است که به موجب آن در خلال سخن به آیه‌ای شریف و حدیثی معروف یا داستانی و واقعه یا مثل و شعری مشهور، چنان اشاره شود که کلام با الفاظی اندک بر معانی بسیار دلالت کند (داد، 1382: 163). به عبارت دیگر در اصطلاح شیوه‌ای از سخنوری است که سخنور در ضمن سخن خویش، به داستان، حدیث، آیه، ضرب‌المثل و یا کلامی مشهور اشاره کند (محبتی، 1380: 112).

ویژگی‌های تلمیح عبارت است از:

1. تلمیح را گونه‌ای از ایجاز دانسته‌اند؛ یعنی آن است که الفاظ اندک بر معانی بسیار دلالت کند (شمس قیس، 1360: 377) که شاعر با کلمات اندک، معانی بسیار القا کند.
2. در تلمیح، تشبیه و تناسب دو ژرف‌ساخت اصلی آن است زیرا هم ایجاد رابطه تشبیهی میان منظور گوینده و مطلب مورد تلمیح در نظر است و هم میان اجزاء موضوع تلمیح تناسب وجود دارد.
3. در تلمیح شاعر و نویسنده در متن خود به داستان، مثل، شعر یا اثری دیگر اشاره کند، مشروط به این که این اشاره و ارجاع، گذرا و غیرمستقیم با زیرساخت داستانی باشد (صباعی و حیدری، 1396: 4)
4. همپوشانی تلمیح با ارسال‌المثل زمانی خواهد بود که مثل مندرج در متن با زیرساخت داستانی باشد و بدان داستان نیز اشاره گذرا شده باشد و هر متن دارای مثل لزوماً دارای آرایه تلمیح نخواهد بود (صباعی و حیدری، 1396: 5)
5. تلمیح، ایجاز و اطناب را توأمان دارد؛ یعنی از سوی هنرمند کاربرد تلمیح منجر به ایجاز می‌شود؛ زیرا وی در قالب الفاظ اندک معانی بسیار را بیان می‌کند، اما از سوی خواننده، تلمیح به اطناب می‌انجامد و همان الفاظ اندک هنگام خوانش، تداعی نمایی کلی از اصل موضوع یا داستان را در ذهن مخاطب دامن می‌زند (صباعی و حیدری، 1396: 6)
6. در تلمیح، آیات و احادیثی که با پشتوانه تاریخی و داستانی هستند، گذشته‌های دور، باورهای کهن، اساطیر، داستان‌های معروف و ضرب‌المثل‌ها مطمع نظر هستند.

3-2-2- اقتباس

اقتباس در لغت واگرفتن آتش باشد و در اصطلاح آن است که شاعر در ترکیب و ترتیب سخن آیتی از آیات قرآن یا حدیثی از احادیث نبوی یا مسئله‌ای از مسائل فقهی بر سبیل تبرک و تیمن ایراد کند (واعظ کاشفی، 1369: 147). در اصطلاح اهل ادب، اقتباس آن است که حدیثی یا آیتی از کلام‌الله مجید یا بیته معروف را بگیرند و چنان در نظم و نثر بیاورند که معلوم باشد قصد اقتباس است نه سرقت و انتحال و هرگاه در گرفتن اثری از نظم و نثر شعرا و نویسندگان و قرینه و قصد اقتباس در کار نباشد محل تهمت سرقت است به ویژه هرگاه از شاعر یا نویسنده‌های گمنام و غیر معروف اقتباس کرده باشد (واعظ کاشفی، 1369: 384).

تفاوت تلمیح و اقتباس در این است که تلمیح در ضمن کلام، اشارتی لطیف به آیه قرآن یا حدیث و مثل سایر یا داستان و شعری معروف کرده و عین آن را نیاورده باشد اما در اقتباس شرط آن است که عین عبارت مورد نظر یا قسمتی از آن را که حاکی و دلیل بر تمام جمله اقتباس شده باشد، بیاورند (واعظ کاشفی، 1369: 386).

3-2-3- اشاره

در لغت به معنای نمودن به سوی چیزی به دست و جز آن (از منتهی الارب) ... رمز ایماء (دهخدا، 1372: 2207) و در اصطلاح یعنی دلالت الفاظ بر معانی دیگر برای استناد. «والاشارة عند اصولیین دلالة اللفظ علی المعنی من غیر سیاق الکلام له و یسمى بفحوی الخطاب ایضاً نحو و علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف و فی قوله تعالی له اشارة الی ان النسب یتبث للاب و هی من اقسام مفهوم الموافقة كما یجیء هناک؛ و فی لفظ النص ایضاً. و اهل البدیع فسروها بالاتیان بکلام قلیل ذی معان جمه» (دهخدا، 1372: 2208). به طور کلی معنای اشاره از تلمیح دور نیست... (شمیسا، 1372: 15) اشاره و ارجاع گذرا به آیه، حدیث، داستان، مثل، شعر یا اثری دیگر به شرط آنکه این اشاره و ارجاع، مستقیم باشد، اشاره خوانده می‌شود. در اشاره همان‌گونه که از نامش پیدا است به زیرساخت داستانی توجه نمی‌شود. بیشتر آرایه‌هایی که تاکنون تلمیح تلقی می‌شده است در حقیقت اشاره‌اند چراکه فاقد زیرساخت داستانی‌اند و فقط با نگاه و نظر به آیه و یا حدیث و سخن بزرگان شکل گرفته و به آن استشهاد شده است.

به نظر نگارنده معنای اشاره مطابق است با آنچه رادویانی ذیل فی معنی الآیات بالاایات گفته، آن است که شاعر بیته کند که معنی وی نزدیک بود به معنی قول خدای عزّ و جلّ چنان که در محکم کتاب است قوله تعالی: منها خلقناکم و فیها نعیدکم. رودکی گوید چنان که خاک سرشتی به زیر خاک شوی/ بنات خاک و تو اندر میان خاک آگین (رادویانی، 1362: 125)، و این مناسب تعریف اشاره است. آنچه در تعریف از تلمیح فرمالیستی آمده است همان تعریف اشاره مورد نظر در این جستار است. اشاره در حقیقت مکالمه دو متن است؛ دو متن که به دو زمینه متفاوت متنی، تاریخی، جغرافیایی، اندیشگانی و ادبی تعلق دارند. شاعر با اشاره به متن پیشین در متن جدید، باب گفت‌وگو میان این زمینه‌های متفاوت را

می‌گشاید. این گفت‌وگو می‌تواند منحصر به یک اشاره پیشامتنی باشد؛ بدون اینکه تأثیری بر گفتمان زبانی و بلاغی حاکم بر متن جدید داشته باشد (فرخی و فهندزی، 1396: 52) موارد زیر ویژگی اشاره و تفاوت آن با تلمیح است.

1. در اشاره زیرساخت اندیشگانی داستانی و اسطوره‌ای وجود ندارد.
2. تشبیه و تناسب برخلاف تلمیح در اشاره وجود ندارد و صرفاً اشاره‌ای به موضوع گذشته است که از نظر شاعر یا نویسنده مهم و قابل استناد است.
3. اشاره نوعی ایجاز نیست بلکه یادآوری موضوع مورد نظر شاعر در قرآن و حدیث یا جای دیگر است.
4. دایره کاربردی اشاره بسیار گسترده‌تر از تلمیح و اقتباس و ترجمه است.

3-2-4- ترجمه

ترجمه، در لغت زبانی را به زبانی دیگر روشن گردانیدن باشد و در اصطلاح آن است که شاعر معنی بیتی تازی را به پارسی یا ترکی یا لغتی دیگر نظم کند و به عکس نیز همین باشد (واعظ کاشفی، 1369: 141). «و یکی از بلاغت؛ ترجمه گفتن است و بهترین ترجمه آن بود که معنی را تمام کند و لفظی موجز بلیغ باشد (ادویانی، 1362: 115). گاهی شاعر یا نویسنده، متن بارزشی را از زبان دیگری همچون آیات قرآن نه به اشاره و تلمیح بلکه عیناً به زبان خود می‌آورد. این گونه از برگرفتن را ترجمه می‌گوییم.

3-2-5- عقد

عقد در لغت، بستن باشد و در اصطلاح آن است که چیزی از قرآن یا حدیث ایراد کند نه بر طریق اقتباس بلکه الفاظ آن را تغییری دهد تا بر وزن راست آید اما مضمون همان باشد و این صنعت را به جهت آن عقد گفتند که رشته سخن منثور به واسطه نظم معقود می‌شود و اینجا فرق ظاهر است میان عقد و اقتباس. اقتباس ایراد لفظ قرآن یا حدیث است بی‌تغییری و در عقد تغییر لفظ می‌شاید (واعظ کاشفی، 1369: 148)

3-2-6- استشهداد

در لغت به معنی گواهی خواستن، (غیاث) (منتهی الارب) دلیل آوردن و شاهد آوردن برای اثبات مقصودی (دهخدا، 1372: 1821). مؤلف صبح الاعشی گوید: استشهداد الحاله الاولى فی استعمال الشعر فی صناعة الکتابه و هو ان یورد (الکاتب) البیت من الشعر اول البیتین او اکثر فی خلال الکلام المنثور مطابقاً لمعنی ما تقدم من النثر... (واعظ کاشفی، 1369: 148).

3-3- بررسی انواع تأثیرپذیری‌های قرآنی در تحمیدیه‌های خمسه

3-3-1- مخزن الاسرار

این اثر نخستین اثری است که در سال 570 نظامی گنجه‌ای آن را سروده است. زمان خلق این اثر، نظامی در دوران جوانی یعنی حدود سی تا سی و پنج ساله بوده است. این منظومه 3250 بیت در بیست مقاله، هر مقاله در موضوعی اخلاق مدار و انسان محور است. در آغاز تحمیدیه‌ای دارد سخت بارزش که

شاید بدون اغراق بتوان آن را یکی از عالی‌ترین نوع تحمیدیه در ادب فارسی به حساب آورد. از این تحمیدیه می‌توان به دانش او از علوم و حکمت، آگاهی او از شریعت، عزم بلند و هدف متعالی او در انسانیت، مضمون آفرینی و خیال‌پردازی و تصویرسازی نظامی پی برد. از نظر ادبی تحمیدیه مخزن‌الاسرار بر دیگر تحمیدیه‌های نظامی برتری دارد، به ویژه در زمینه آرایه‌های قرآنی این برتری مشهودتر است به این ترتیب آن تحمیدیه از نظر ادبی، ایجاز و عمق مفاهیم بر سایر تحمیدیه‌ها برتری دارد.

ابتدای مخزن‌الاسرار، تحمید و توحید با این مطلع آغاز می‌شود

بسم الله الرحمن الرحيم هست کلید در گنج حکیم

پس از آن، ابیات راز و نیاز و مناجات و سپس دعا و در پایان تخلص شاعر آمده است. در بخش مناجات می‌گوید:

ای همه هستی ز تو پیداشده خاک ضعیف از تو توانا شده
زیر نشین علمت کائنات اما به تو قائم چو تو قائم به ذات
هستی تو صورت پیوند نی تو به کس و کس به تو مانند نی
... هر که نه گویای تو خاموش به هر چه نه یاد تو فراموش به
پایان این تحمیدیه شاعر تخلص کرده و عرض می‌کند:

بنده - نظامی - که «یکی گوی» توست در دو جهان خاک سرکوی توست
خاطرش از معرفت آباد کن گردنش از دام غم آزاد کن

در این تحمیدیه شاعر باز به توحید برمی‌گردد و با این مطلع ابیاتی در ذات و صفات الهی با این مطلع می‌سراید:

ای به ازل بوده و نابوده ما وی به ابد زنده و فرسوده ما
و به مناجات روی می‌آورد و می‌گوید:
چاره ما ساز که بی داوریم گر تو برانی به که روی آوریم؟
این چه زبان و چه زبان رانی است گفته و ناگفته پشیمانی است
دل ز کجا وین پر و بال از کجا من که و تعظیم جلال از کجا؟

و در پایان به دعا روی می‌آورد:

درگذر از جرم که خواهنده‌ایم چاره ما کن که پناهنده‌ایم
ای شرف نام «نظامی» به تو خواجگی اوست غلامی به تو

مراحل چهارگانه تحمید و ذکر توحید و سپس مناجات و راز و نیاز به درگاه خداوند و بعد خواهش و عطش‌های روحانی و در نهایت دعا و طلب نجات و رهایی در ساختار این تحمیدیه مشاهده می‌شود. مناجات دومی نیز در ادامه تحمیدیه دارد که در بخشایش و عفو یزدان است. در ادامه آرایه‌های قرآنی در تحمیدیه مخزن‌الاسرار بررسی می‌شود.

الف - تلمیح

در تحمیدیه‌های نظامی تلمیح به آیات و احادیث مورد توجه است.

پرده گشای فلک پرده‌دار
 پرده‌گی پرده شناسان راز
 تلمیح است به مبحث کلامی عدم رؤیت خداوندی برخلاف اعتقاد اشاعره که خداوند را قابل رؤیت می‌دانند و این موضوع چالش‌برانگیز در قرن چهارم و پنجم بوده است. آیه شریفه «لَا تُدْرِكُهُ الْآبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْآبْصَارَ» (اعراف: 53)

ای همه هستی ز تو پیدا شده
 خاک ضعیف از تو توانا شده
 تلمیح است به داستان خلقت انسان از خاک و آیه شریفه «...خَلَقْتُ يَدَيَّ ...» (ص: 75) و «انی خالق بشرأ من طین» (ص: 71) وحیث قال النبی صلی الله علیه وسلم حکایه عن الله تبارک و تعالی «مَرَّتْ طِينَةُ آدَمَ بِيَدَيْهِ اَرْبَعِينَ صَبَاحًا» (نجم دایه، 1369: 65)

خاک به فرمان تو دارد سکون
 قبه خضرا تو کنی بی ستون
 تلمیح است به داستان آفرینش و آیه «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» (عد: 2) و آیه و «خَلَقَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» (لقمان: 10)

ب - اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم
 هست کلید در گنج حکیم
 کلمه پایانی «حکیم» اشاره به والقرآن الحکیم (یس: 1)
 گنج حکیم اشاره به آیه 21 سوره حجر و حدیث‌های «الْفَاتِحَةُ كَنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْعَرْشِ» و «انَّ لِلَّهِ كُنُوزًا تَحْتَ الْعَرْشِ مَفَاتِيحُهَا تَحْتَ السَّنَةِ الشُّعْرَا»

خام کن پخته تدبیرها
 عذر پذیرنده تقصیرها
 اشاره به آیه شریفه «و من يدبّر الامر» (یونس: 31) وحیث معروف العبد یدبّر والله یقدّر
 فاتحه فکرت و ختم سخن
 نام خدای است، بر او ختم کن
 کلمه آغازین بیت اشاره به سوره فاتحه‌الکتاب است.

مبدع هر چشمه که جودیش هست
 مخترع هر چه وجودیش هست
 کلمه اول بیت اشاره به بَدِيعُ السَّمَوَاتِ و الْأَرْضِ (بقره: 117)
 خام کن پخته تدبیرها
 عذر پذیرنده تقصیرها
 اشاره‌ای می‌تواند باشد به حدیث امام علی: عَرَفَتِ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بِفَسْخِ الْعَرَابِیْمِ و حَلِّ الْعُقُودِ و نَقْضِ الْهِمَمِ (نهج البلاغه: حکمت 250)

مصراع دوم اشاره به آیه «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا» (زمر: 52)
 هستی تو صورت پیوند نه
 تو به کس و کس به تو مانند نه
 اشاره است به آیه «لَمْ يَلِدْ و لَمْ يُولَدْ و لَمْ يَكُنْ لَهُ» (إخلاص: 3)
 ما همه فانی و بقا بس تو راست
 ملک تعالی و تقدس تو راست
 اشاره به اللهم مالک الملک (آل عمران: 26)

سخن کن این آیت ایام را
مصرع اول اشاره است به «فجعلنا الليل والنهار آيتين» (الاسراء: 13) و مصرع دوم اشاره است به آیه «يوم تبدل الارض غير الارض والسموات» (ابراهيم: 49)

حقه مه بر گل این مهره زن
سنگ زحل بر قدح زهره زن
اشاره است به آیاتی همچون اذا السماء انفطرت و اذا الكواكب انتثرت (الانفطار: 1 و 2)
پرده سوسن که مصابیح توست
جمله زبان از پی تسبیح توست
اشاره به آیه «ان من شيء الا يسبح بحمده ولاكن لا تفقهون تسبيحهم» (الاسراء: 34)

پ - اقتباس

بسم الله الرحمن الرحيم
هست کلید در گنج حکیم
مصرع اول اقتباس است از اولین آیه شریفه قران که 114 بار در قرآن آمده است.
اول و آخر به وجود و صفات
هست کن و نیست کن کائنات
مصرع اول اقتباسی است از آیه هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن و هو بكل شيء عليم. (حدید: 3)
کیست در این دستگه دیرپای
کو «لمن الملك» زند جز خدای
این عبارت قرآنی اقتباس از آیه شریفه لِمَنْ الْمَلِكِ الْيَوْمَ؟ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ (مومن: 16)
هستی تو صورت پیوند نه
تو به کس و کس به تو مانند نه
مصرع دوم اقتباس از آیه‌های «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (شوری: 9) و «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» (اخلاص: 4)
اول او اول بی ابتداست
و آخر او آخر بی انتهاست
مصرع اول اقتباسی است از آیه هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن و هو بكل شيء عليم. (حدید: 3)

ت - ترجمه

اول و آخر به وجود و صفات
هست کن و نیست کن کائنات
مصرع دوم نیز ترجمه آیه شریفه: یحیی ویمیت (اعراف: 158) و (توبه: 116)
آنچه تغییر نپذیرد تویی
آن که نمرده است و نمیرد تویی
ترجمه آیه ...الحی الذی لایموت (فرقان: 58)

از 67 بیت تحمیدیه مخزن الاسرار علاوه بر مباحث کلامی و فلسفی حداقل 20 مورد اشارات مستقیم قرآنی (اشاره، تلمیح و اقتباس و ترجمه) وجود دارد. تمرکز انواع آرایه‌ها و صنایع بدیعی و اشارات قرآنی باعث شده است تا برخی مخزن الاسرار را سخت‌ترین اثر نظامی به لحاظ توجه به فهم مخاطب بدانند.
توجه به کلیدواژه حکمت در همان بیت نخست، پر سکنه بودن مصرع نخست و نوع ترکیب‌سازی‌ها در تمامی بیت‌های آغازین بیانگر این مطلب است که با شاعری سروکار داریم که قرار است در این اثر خود، با بیانی فخیم، به سخن بپردازد. شاید این نکته در آغاز اتفافی به نظر برسد اما وقتی در دیگر مثنوی‌ها، جلوه‌هایی دیگر از نظامی را ببینیم، این فرض به اثبات خود نزدیک‌تر خواهد شد. (مرادی، 1398: 3)

3-3-2- خسرو و شیرین

مثنوی خسرو و شیرین منظومه‌ای است با بیش از 6500 بیت که داستان عاشق شدن خسرو پرویز (590 تا 628 م) بر شیرین شاهزاده خانم ارمنی است. این داستان را نظامی حدوداً به سال 573 آغاز کرده و در 576 هـ. ق به انجام رسانده است. همانند دیگر منظومه‌های نظامی این منظومه هم در آغاز با تحمیدیه شروع می‌شود. با این تفاوت که در این منظومه در سرآغاز تعداد 13 بیت اول راز و نیاز است. پس از آن تعداد 44 بیت تحمید آورده است و پس از استدلال نظر و توفیق شناخت خداوند، بار دیگر در 12 بیت روی به آموزش راز و نیاز آورده و در 33 بیت به دعا پرداخته است. مجموع ابیات این تحمیدیه 102 بیت است. این منظومه بارها مورد تقلید شاعران قرار گرفته و شاعران مضامینی نو و دلپذیر از آن ساخته‌اند. با این همه هیچ یک از آن مقلدان به پای نظامی نرسیده‌اند. در مطلع این تحمیدیه آمده است:

خداوندا در توفیق بگشای	نظامی را ره تحقیق بنمای
دلی ده کو یقینت را بشاید	زبانی کآفرینش را سراید
مده نا خوب را بر خاطر م راه	بدار از ناپسندم دست کوتاه
دروم را به نور خود برافروز	زبانم را ثنای خود در آموز

و در پایان با التجا به درگاه الهی می‌سراید:

چراغم را فیض خویش ده نور	سرم راز آستان خود مکن دور ...
دل مست مرا هشیار گردان	ز خواب غفلتم بیدار گردان ...
تنم را در قناعت زنده دل دار	مزاجم را به طاعت معتدل دار
دماغ دردمندم را دوا کن	دواش از خاک پای مصطفی کن.

نظامی در اوج داستان به بهانه نیایش کردن شیرین با یزدان پاک، عاشقانه‌ترین سخنان را از زبان او بیان می‌کند.

تویی یاری رس فریاد هر کس	به فریاد من فریاد خوان رس
ندارم طاقت تیمار چندین	اغثنی یا غیاث المستغثنین
به آب‌دیده طفلان محروم	به سوز سینه پیران مظلوم
به داور داور فریاد خواهان	به یارب یارب صاحب گناهان

در ادامه آرایه‌های قرآنی در تحمیدیه خسرو و شیرین بررسی می‌شود.

الف - تلمیح

خدایا چون گل ما را سرشتی

مصرع اول تلمیح به آیه شریفه «و بدأ خلق الانسان من طین» (سجده: 7). مصرع دوم تلمیح است به داستان عهد الست «وَأَشْهَدُهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ؟ قَالُوا بَلَىٰ» (اعراف: 172) و همچنین «وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ...» (آل عمران: 81)

خداوندی که چون نامش بخوانی

نیایی در جوابش لن ترانی

تلمیح است به داستان ملاقات موسی با خدا و درخواست رؤیت او در آیه «رَبِّ اَرْنِي اَنْظُرَ الْيَكِ قَالَ لَنْ تَرَانِي» (اعراف: 143)

به داوودی دلم را تازه گردان زبورم را بلندآوازه گردان
تلمیح است به حضرت داود و در مصراع دوم به آیه شریفه «وَأَتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا» (النساء: 163 و الاسراء: 55)
تویی کاوَل زخاکم آفریدی به فضلَم زآفرینش برگزیدی
مصراع اول تلمیح به آیه شریفه خلقت انسان از خاک صلصال «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَاءٍ مَسْنُونٍ» (حجر: 26) و «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِنْ طِينٍ» (مومنون: 12) و...

ب - اشاره

جواهر بخش فکرت‌های باریک به‌روز آرنده شب‌های تاریک
مصراع دوم اشاره است به آیه شریفه «الْم تَرَانِ اللَّهُ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ» (نقمان: 29) (فاطر: 13)
وجودش بر همه موجود قاهر نشانش بر همه بیننده ظاهر
مصراع اول اشاره دارد به آیه «هُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ» (الانعام: 18)
خدائی کافرینش در سجودش گواهی مطلق آمد بر وجودش
اشاره است به آیه شریفه «وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا» (رعد: 15) و (حج: 18) و (نحل: 49) و...

تعالی الله یکی بی مثل و مانند که خوانندش خداوندان خداوند
مصراع اول اشاره است به آیه شریفه «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (شوری: 11) و...
فلک بر پای دار و انجم افروز خرد را بی میانجی حکمت آموز
اشاره است به آیه شریفه «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» (رعد: 2) و...
خداوندا در توفیق بگشای نظامی را ره تحقیق بنمای
اشاره است به آیه شریفه «وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ» (هود: 88)

خداوندیش با کس مشترک نیست همه حمال فرمانند و شک نیست
اشاره به آیه «قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ» (انعام: 19)
چو ما با ضعف خود در بند آنیم که بگزاریم خدمت تا توانیم
اشاره دارد به آیه «رَبِّدَّ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا» (النساء: 28)
به فضل خویش کن فضلی مرا یار به عدل خود مکن با فعل من کار
اشاره است به آیه: ذالک فضل الله یوتیه من یشاء (حدید: 21) و ترجمه دعای «الهی عاملنا بفضلك و لا تعاملنا بعدلک»

ت - ترجمه

جواهر بخش فکرت‌های باریک به‌روز آرنده شب‌های تاریک
ترجمه‌ای لطیف از آیه شریفه «یُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ» (فاطر: 13)

غم و شادی نگار و بیم و امید
شب و روز آفرین و ماه و خورشید
مصراع دوم ترجمه آیه «و من آیاته اللیل والنهار والشمس والقمر» (فصلت: 37)
گه از خاکی چو گل رنگی برآرد
گه از آبی چو ما نقشی نگارد
مصراع اول ترجمه آیه «الذی جعل لکم من الشجر الاخضر نارا» (یس: 80)
تویی کاول ز خاکم آفریدی
به فضلم ز آفرینش برگزیدی
مصراع دوم ترجمه «انی فضلتکم علی العالمین» (بقره: 47)
بیمارم از عطای خویش ما را
کرامت کن لقای خویش ما را
ترجمه آیه «ربّ اغفر وارحم و انت خیر الراحمین» (مومنون: 118). «ربنا آتنا امانا فاغفر لنا ذنوبنا» (آل عمران: 16)
به سختی صبر ده تا پای دارم
در آسانی مکن فرموش کارم
ترجمه آیه شریفه «ربنا افرغ علينا صبرا و ثبت اقدامنا» (بقره: 250) و...

3-3-3- لیلی و مجنون

این منظومه بعد از خسرو و شیرین به نظم درآمده است؛ و دارای 4700 بیت است و بیشتر آن را فقط در چهار ماه از سال 584 هـ. ق سروده شده و در سال 588 به پایان آمده است. باز هم در آغاز این منظومه تحمیدیه‌ای در 105 بیت به صورت یک مناجات عاشقانه و دعای همراه با اخلاص و عبودیت و خداپرستی سروده شده است. چون داستان این کتاب وصف عشق و عاشقی است نظامی تحمیدیه این منظومه را به مضامین عاشقی آراسته است و با این مطلع تحمیدیه خود را آغاز می‌کند:

ای نام تو بهترین سرآغاز
بی‌نام تو نامه کی کنم باز
ای کارگشای هر چه هستند
نام تو کلید هر چه بستند
ای هست کن اساس هستی
کوته ز درت درازدستی
ای خطبه تو تبارک‌الله
فیض تو همیشه بارک‌الله

پس از آوردن ابیاتی به مناجات می‌پردازد و پس از آن دعا را می‌آغازد. او پس از دهها بیت **دعا** با تخلص، خود را در محضر الهی معرفی می‌کند و می‌گوید:

گر بنده نظامی از سر درد
در نظم دعا دلیری کرد...
زان پیش کاجل فرارسد تنگ
وایام عنان ستاند از چنگ
ره بازده از ره قبولم
بر روضه تربت رسولم

در ادامه آرایه‌های قرآنی در تحمیدیه لیلی و مجنون بررسی می‌شود.

الف - تلمیح

آرایه‌های بدیعی قرآنی در لیلی و مجنون به دلیل سادگی و بی‌آلایش بودن دعاها برخلاف مخزن الاسرار کم‌تر است. با این همه برخی از آرایه‌های تلمیح و اشاره و اقتباس‌های قرآنی این تحمیدیه به شرح زیر است:

بر صورت من ز روی هستی
 آرایش آفرین تو بستی نظامی
 تلمیح است به داستان خلقت «ثم خلقنا النطفه علقه فخلقنا العلقه مضقه و خلقنا المضقه عظاما فكسونا
 العظاما لحما ثم انشانا خلقا آخر و تبارك الله احسن الخالقين» (مومنون: 14)

ب- اشاره

ای هست کن اساس هستی
 کوته ز درت درز دستی
 اشاره به آیه شریفه «الا له الخلق والامر» (اعراف: 53)
 بی کوهکنی ز کاف و نونی
 کردی چو سپهر بیستونی
 مصراع اول اشاره است به داستان حقیقت خلقت و اشاره او با دو حرف کن. «انما امره اذا اراد شيئاً ان
 يقول کن فیکون» (یس: 82)

ذات تو به نور لا یزالی
 از شرک و شریک هر دو خالی
 مصراع دوم شرک اشاره است به آیه «یا بُئییَ لا تشرک بالله انّ الشرک لظلم عظیم» (لقمان: 13) شریک
 اشاره است به «ولم یکن له شریک فی الملک» (الاسراء: 111) و (فرقان: 2) و...
 بر هر ورقی که حرف راندی
 نقش همه در دو حرف خواندی
 اشاره است به دو حرف «کن» در آیاتی چون «انما امره اذا اراد شيئاً ان یتقول کن فیکون» (یس: 82) و
 «بديع السماوات والارض و اذا قضی امرنا فانما یتقول له کن فیکون» (بقره: 117)
 هم قصه نانموده دانی
 هم نامه نانوشته خوانی
 اشاره است به آیه شریفه «انی اعلم غیب السموات والارض» (بقره: 33) و «و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها
 الا هو» (انعام: 59) و «عالم الغیب والشهاده» (همان: 73) و...

پ- اقتباس

ای هر چه رمیده و آرمیده
 در کن فیکون بیافریده
 این بیت اقتباس از آیه «انما امره اذا اراد شيئاً ان یتقول کن فیکون» (یس: 82) «اذا قضی امرنا فانما یتقول
 له کن فیکون» (بقره: 117)

ای خطبه تو تبارک الله
 فیض تو همیشه بارک الله
 مصراع اول اقتباس است از آیه «تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیکون للعالمین نذیرا» (فرقان: 25)

ت- ترجمه

بی کوهکنی ز کاف و نونی
 کردی چو سپهر بیستونی
 مصراع دوم ترجمه است از آیه «اللّهُ الذی رَفَعَ السَّمَوَاتِ بِغَیْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» (عد: 2) و آیه و «خَلَقَ
 السَّمَوَاتِ بِغَیْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» (لقمان: 10)

3-3-4- شرفنامه

نظامی این منظومه را شرفنامه خسروی (نظامی، 1380: 39) و شرفنامه خسروان (همان) نامیده است.
 ولی در بین مردم به «اسکندر نامه» و «شرفنامه» شهرت یافته است. این اثر چهارمین منظومه نظامی

است که در سال 588 سروده شده است و مشتمل بر دو مثنوی «شرفنامه» یا «اسکندرنامه» با 6929 بیت و «اقبالنامه» یا «خرذنامه» با 3664 بیت است. که هر یک تحمیدیه مجزایی دارند. در تحمیدیه «شرفنامه» که 146 بیت دارد. با مطلع زیر آغاز می‌شود.

خدایا جهان‌پادشایی تو راست	ز ما خدمت آید خدایی تو راست
پناه بلندی و پستی تویی	همه نیستند آنچه هستی تویی
همه آفریده‌ست بالا و پست	تویی آفریننده هر چه هست
چو شد حجتت بر خدایی درست	خرد داد بر تو گویایی نخست

تمام این تحمیدیه مشحون از اعتراف به بزرگی و عظمت و رحمانیت ذات الهی و بیان مناجات و اظهار کوچکی و ضعف بشر در مقابل خداوندی است که خالق و بخشنده و بخشاینده است. موارد اشارات قرآنی آن به شرح زیر است:

الف - اشاره

خدایا جهان‌پادشایی تو راست	ز ما خدمت آید خدایی تو راست
بیت اشاره است به آیه «ذالکم الله ربکم له المُلک» (فاطر: 13) «و الله ملک السموات والارض» (شوری: 49)	
تویی کافریدی ز یک قطره آب	گهرهای روشن‌تر از آفتاب
اشاره است به آیه «و هو الذی خلق الماء بشرا» (فرقان آیه 48)	
به هر چه آفریدی و بستی طراز	نیازت نه ای از همه بی‌نیاز
اشاره است به آیه شریفه «فان الله غنی عن العالمین» (آل عمران: 97) و «عنکبوت: 6) و «یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله والله هو الغنی الحمید» (فاطر: 15)	
تویی کاسمان را برافراختی	زمین را گذرگاه او ساختی
این بیت اشاره است به «والسماة رفعها و وضع المیزان...» (الرحمن: 7)	
نشاید ترا جز به تو یافتن	عنان باید از هر دری تافتن
اشاره است به حدیث «عرفت الله بالله و عرفت غیرالله بنوره»	

ب - اقتباس

ای خطبه تو تبارک‌الله	فیض تو همیشه بارک‌الله
مصراع اول اقتباس است از آیه شریفه «تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیرا» (فرقان: 1)	

پ - ترجمه

خدایا جهان‌پادشایی تو راست	ز ما خدمت آید خدایی تو راست
همه آفریده‌ست بالا و پست	تویی آفریننده هر چه هست
مصراع اول ترجمه آیه «و الله ملک السموات والارض» (شوری: 49)	

ترجمه است از آیه شریفه «هو الذی خلق لکم ما فی الارض جمیعا» (بقره: 29) «وهو الذی خلق السموات والارض بالحق» (انعام: 73)

3-3-5- اقبالنامه

آخرین منظومه از خمسه نظامی، «اقبالنامه» است نام دیگر این منظومه «خردنامه» یا «خردنامه اسکندری» است که دارای 57 بیت تحمیدیه است. شاید آن را در سال 598 هـ ق سروده باشد. آغاز «اقبالنامه» نیز با این ابیات است:

خرد هر کجا گنجی آرد پدید	ز نام خدا سازد آن را کلید
خدای خرد بخش بخرد نواز	همان نا خردمند را چاره ساز
رهایی ده بستگان سخن	توانا کن ناتوانان کن
نهان و آشکارا درون و برون	خرد را به درگاه او رهنمون

بسم الله نظامی در خردنامه، همان طور که از نام این بخش کتاب نیز برمی آید، مبتنی است بر خرد. توجه به عنصر خرد در این تحمیدیه که عنصر وزن نیز آن را تقویت می کند، یادآوری ابیات آغازین شاهنامه (به نام خداوند جان و خرد/ کز این برتر اندیشه برنگذرد...) است. نظامی در این آغاز خود، بر عنصر خرد تأکید فراوان دارد که این خرد غیر از عقل معاش اندیش منفعت طلب است و شاید معنایی نزدیک به روح یا دل بیابد که فرصت پرداختن به آن در این مقاله نیست. به هر صورت، نظامی در اثری که نزدیکترین اثر او به شاهنامه است، نزدیکترین تحمیدیه به فردوسی را نیز سروده است. اشارات قرآنی در این بخش از اسکندرنامه به شرح زیر است:

الف - تلمیح

جز او کیست کز خاک آدم سرشت	بر آب این چنین نقش داند نوشت
----------------------------	------------------------------

تلمیح است به خلقت انسان و آیه شریفه «و لقد خلقنا الانسان من سلاله من طین» (مومنون: 12) مصراع دوم تلمیح به آفرینش انسان در رحم مادر «هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ» (آل عمران: 5) یکی را ز گردون دهد بارگاه یکی را ز کیوان درآرد به چاه

مصراع اول تلمیح است به معراج حضرت رسول (الاسراء: 1) مصراع دوم تلمیح است به زندانی شدن دو فرشته آسمانی به نام هاروت و ماروت در چاه بابل و اشاره به آیه «توتی الملک من تشاء و تنزع الملک ممن تشاء» (آل عمران: 25)

ب- اشاره

خرد هر کجا گنجی آرد پدید	ز نام خدا سازد آن را کلید
--------------------------	---------------------------

مصراع دوم بیت اشاره است به آیه «بسم الله الرحمن الرحيم»
 رهایی ده بستگان سخن توانا کن ناتوانان کن
 مصراع دوم اشاره است به آیه «انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون» (یس: 82)
 برآورنده سقف این بارگاه نگارنده نقش این کارگاه

اشاره است به آیه «رفع السموات بغير عمد» (عد: 2)

تویی خالق بوده و بودنی
ببخشای بر خاک بخشودنی
مصرع اول اشاره است به «الله الذی خلق السموات و الارض» (سجده: 4) و (حدید: 4) و (طلاق: 12) و...
نه گوینده خاکی کس آرد به دست
نه بر آب نقشی توان نیز بست
مصرع دوم اشاره است به آیه «هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ» (سوره 3 آیه 5)

پ - ترجمه

همه آفریده است در هفت پوست
بر او آفرین کافرینده اوست
ترجمه است از آیه «الله الذی خلق سبع سماوات و من الارض مثلهن» (طلاق: 12) و «الذی خلق سبع سماوات طباقا» (ملک: 3)

3-3-6 - هفت پیکر

این منظومه مشتمل بر دو منظومه «بهرام نامه» و «هفت گنبد» است، بر این اساس به نام‌های «هفت گنبد» و «بهرام نامه» نیز شناخته می‌شود، کار ویژه نظامی در این اثر قصه‌گویی است. جمعاً متجاوز از 5000 بیت دارد و در سال 593 هجری قمری به پایان رسیده است. این اثر که با نظر بر شاهنامه فردوسی سروده شده است با این مناجات زیبا و دل‌نشین آغاز می‌شود:

ای جهان دیده بود خویش از تو
هیچ بودی نبوده پیش از تو
در بدایت همه چیز
در نهایت همه چیز
ای برآرند سپهر بلند
انجم افروز و انجمن پیوند

نظامی قرار است قصه تعریف کند و چه شروعی برای قصه‌ها بهتر از «یکی بود، یکی نبود»؟ نظامی در مخزن الاسرار حکمی آغاز کرده بود و در لیلی و مجنون، رمانتیک، این بار کاملاً داستانی شروع می‌کند؛ ای خدایی که وقتی تو بودی، هیچ‌کسی نبود و جهان را تو آفریده‌ای، ای خدایی که آغاز همه داستان‌ها تویی و پایانش نیز هم... (مرادی، 1398: 4)

الف - اشاره

ای بر آرنده سپهر بلند
انجم افروز و انجمن پیوند
مصرع اول اشاره است به «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» (عد: 2) مصرع دوم نیز اشاره است به آیه نَوَافِلَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ» (انفال: 65)

تو دهی صبح را شب افروزی
روز را مرغ و مرغ را روزی
آخر مصرع دوم اشاره است به «والله يرزق من يشاء بغير حساب» (بقره: 212) و (آل عمران: 37) و «الله يبسط الرزق لمن يشاء و يقدر» (عد: 26)

تو دهی بی میانجی آن را گنج
که نداند شمرد هفت از پنج
این بیت اشاره دارد به آیه «والله يرزق من يشاء بغير حساب» (بقره: 212) و (آل عمران: 37)

ب - ترجمه

روز و شب سالکان راه تواند
 ترجمه از «تولج الليل و النهار و تولج النهار بالليل» (آل عمران: 27)
 هستی و نیست مثل و ماندت
 عاقلان جز چنین نخواندند
 این بیت ترجمه است از آیه «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (الشوری: 11)
 هست بود همه درست به تو
 بازگشت همه به تست به تو
 ترجمه آیه شریفه «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: 151)
 تو نزادی و دیگران زادند
 توخدائی و آن دگر بادند
 ترجمه است از آیه «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ» (اخلاص: آیه 3)

4- جمع بندی

در این مقاله شش تحمیدیه نظامی از جهت ساختار و تأثیرپذیری از زیبایی‌های قرآنی از جمله تلمیح، اشاره، اقتباس، ترجمه، عقد و استشهاد بررسی شد. به لحاظ ساختاری، محور اصلی تحمیدیه‌ها دارای ترتیب خاص و نظاممند شامل ذکر صفات ذاتی و ثبوتی، ذکر مخلوقات، راز و نیاز و دعا بوده است. آوردن مضامین لطیف و عمیق با حمد الهی، توصیف عظمت کبریایی، برشمردن صفات جمال و جلال الهی، تسبیح و تنزیه خداوندی، بیان رحمت و مغفرت الهی، اظهار عجز و اعتراف به معاصی و گناهان و طلب عفو و بخشش الهی مهم‌ترین ویژگی آنها است.

در این مقاله هر یک از آرایه‌های قرآنی (اشاره، تلمیح، اقتباس، ترجمه، عقد و استشهاد) که در شرح متون دارای اختلاط معنایی بوده و عمدتاً از آنها به‌عنوان تلمیح یاد می‌شد با تعاریف علمی مشخص، مرزبندی و به شرح زیر تفکیک معنایی شد.

تلمیح، از جمله آرایه‌های درونی است که در خلال سخن به آیه‌ای یا حدیثی معروف با پشتوانه داستانی و واقعه مشهور اشاره شود و در آن کلام با الفاظی اندک بر معانی بسیار دلالت کند. در اشاره تعریف آن را ارجاع گذرا به آیه، حدیث، داستان، یا اثری دیگر ذکر شد به شرط آنکه این اشاره و ارجاع، مستقیم باشد و همان‌گونه که از نامش پیداست در اشاره به زیرساخت داستانی توجه نمی‌شود.

در اقتباس عین عبارت مورد نظر یا قسمتی از آن را که حاکی و دلیل بر تمام جمله اقتباس شده باشد تعریف و مرز مشخص آن با تلمیح را ذکر شد.

در ترجمه، شاعر یا نویسنده متن بارزشی را از زبان دیگری همچون آیات قرآن نه به اشاره و تلمیح بلکه عیناً به زبان خود می‌آورد. پس از آن آرایه‌های قرآنی تلمیح، اشاره، اقتباس، ترجمه، که دارای بسامد بالایی در تحمیدیه‌ها بود شناسایی و مستندات و شواهد قرآنی آنها از متن قرآن استخراج شد و در مجموع تعداد 11 تلمیح، 39 اشاره، 8 اقتباس و 15 ترجمه از شش تحمیدیه نظامی شناسایی و آیات قرآنی مربوط به هر یک معرفی شد. بیشترین فراوانی در آرایه‌های قرآنی مربوط به آرایه اشاره بود.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه (1385) ترجمه محمد دشتی، چاپ سوم، قم، ارم.
پاپلی یزدی، محمدحسین (1386). *حمد، ثنا و ذکر خداوند در شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی*. مشهد.
پاپلی.

داد، سیما (1382). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. ج 3. تهران: انتشارات مروارید.
دهخدا، علی اکبر (1372). *لغت‌نامه دهخدا*، ج 2. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
دهرامی، مهدی (1397). «بررسی ساختار و محتوای آستانه‌سرای در منظومه‌های فارسی در قرن ششم». *پژوهشنامه ادب غنائی سیستان و بلوچستان*. سال 16 شماره 31، صص: 47-66.
رادویانی، محمد بن عمر (1362). *ترجمان البلاغه به اهتمام احمد آتش*. تهران: اساطیر.
زینی وند، تورج؛ حسنی، سارا و فریبا اکبر زاده (1395). «بررسی تطبیقی صفات الهی در نهج البلاغه و تحمیدیه‌های ادب فارسی». *پژوهشنامه نهج البلاغه*. سال چهارم. شماره سیزدهم، صص: 25-46.
ستوده، غلامرضا و محمدباقر نجف زاده بارفروش (1365). *تحمیدیه در ادب فارسی*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

شمس قیس رازی، محمد بن قیس (1360). *المعجم فی معاییر الاشعار العجم*، به تصحیح عبدالوهاب قزوینی و مدرس رضوی، تهران: زوار.

شمیسا، سیروس (1373). *فرهنگ تلمیحات*، ج 3، تهران: انتشارات فردوس و مجید.
شمیسا، سیروس (1372) *نگاهی تازه به بدیع*، ج 4، تهران: انتشارات فردوس با همکاری انتشارات مجید.
صبغی، علی و حسن حیدری (1396). «تلمیح از سرقه تا صنعت ادبی بررسی تلمیح در منابع بلاغی». *مجله فنون ادبی*. سال نهم، شماره 3، صص 1-12.

فرخی، سودابه و غلامحسین فهندزی (1396). «بررسی و تحلیل آرایه تلمیح و ارائه تقسیم‌بندی آن بر مبنای ساخت بلاغی». *مجله پژوهش‌های نظم و نثر فارسی*. سال اول. شماره 2، صص 41-79.
قدیریان، اندیشه (1381). «بررسی مناسبات مضامین در دیباچه‌های پنج گنج نظامی». *گروه رجال بنیاد پژوهش‌های اسلامی*. *مجله مشکوه*، شماره 75-74، صص: 138-147.

کریمی، محمدحسین و حشمت الله آذرمان (1387). «بررسی تطبیقی تحمیدیه‌های چهار لیلی و مجنون (نظامی، امیر، خسرو، جامی، مکتبی)». *پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر دریا)*. سال دوم. شماره 3 (پیاپی 7)، صص: 1-37.

محبتی، مهدی (1380) *بدیع نو*. ج 2. تهران: سخن

محمد پادشاه (1363) *فرهنگ آندراج*. به کوشش محمد دبیر سیاقی. جلد ششم. تهران: نشر خیام.

مرادی، امیر (1398). «بررسی ساختاری تحمیدیه‌ها در خمسه نظامی». www.shahrestanadab.com.

نجم دایه (1363). *مرصادالعباد*. تهران: انتشارات سنایی

- نظامی، الیاس بن یوسف (1385). *لیلی و مجنون*. به کوشش سعید حمیدیان. چاپ ششم. تهران: قطره.
- نظامی، الیاس بن یوسف (1376). *لیلی و مجنون*. به تصحیح و حواشی وحید دستگردی. به کوشش سعید حمیدیان. تهران: نشر قطره.
- نظامی، الیاس بن یوسف (1363). *مخزن الاسرار*. به تصحیح بهروز ثروتیان. تهران: انتشارات توس.
- نظامی، الیاس بن یوسف (1380). *شرفنامه نظامی گنجوی*. به تصحیح برات زنجانی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نظامی، الیاس بن یوسف (1381). *اقبالنامه نظامی گنجه‌ای*. به تصحیح برات زنجانی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نظامی، الیاس بن یوسف (1383). *تحلیل هفت‌پیکر نظامی*. به تصحیح دکتر معین. انتشارات دانشگاه تهران.
- واعظ کاشفی سبزواری، کمال‌الدین حسین (1369). *بدایع الافکار فی صنایع الاشعار، ویراسته و گزارده میر جلال‌الدین کزازی*. تهران: نشر مرکز.
- همایی، جلال‌الدین. (1363). *فنون بلاغت و صناعات ادبی*. تهران: انتشارات توس.
- یارویی، منصور (1382). *فاتحه فکرت و ختم سخن تحمیدیه در شعر فارسی، کیهان فرهنگی*. شماره 201.

ساز
